



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال یازدهم / شماره ۴۱ / بهار ۱۴۰۱

ارائه مدل محاسبه شاخص جامع اجتناب مالیاتی شرکت

مرتضی اکبری

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات پردیس بین الملل قشم، قشم، ایران
Akbari.morteza1358@gmail.com

فائق احمدی

استادیار، گروه حسابداری و مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، قشم، ایران
Faeghahmadi@gmail.com

حمیدرضا شماخی

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Shammakhi.h@gmail.com

محمد حسین رنجبر

استادیار، گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران
Mhranjbar54@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۰۸

چکیده

ازجمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها دارای اهمیت زیادی است که تاکنون شاخص جامعی برای آن ارائه نشده است. لذا در این پژوهش با مدنظر قرار دادن شاخص‌های متفاوت، با استفاده از روش ریاضی، شاخصی جامع برای سنجش اجتناب مالیاتی ارائه شده است. همچنین برای تست و سنجش کارایی مدل طراحی شده از داده‌های مربوط به ۱۵۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ به روش آمیخته استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه‌ای برای نظرخواهی از خبرگان درباره وزن و اهمیت معیارهای در نظر گرفته شده برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت، تهیه و بین آن‌ها توزیع شد و با استفاده از یکی از روش‌های مدل تصمیم‌گیری چند معیاره (آنتروپی شانون) وزن و اهمیت معیارها تعیین گردید. همچنین به منظور سنجش روابط متغیر پنهان که در این پژوهش اجتناب مالیاتی می‌باشد از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد؛ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی شاخص مناسبی برای اجتناب مالیاتی است.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، شاخص جامع اجتناب مالیاتی، مدل تصمیم‌گیری چند معیاره.

۱- مقدمه

مالیات شرکت از سال ۱۹۶۰ مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است (پاروسونز، ۱۹۶۰؛ موکای و کاروونیس، ۲۰۱۸) که پیشنهادهایی جهت بررسی اختلاف مالیات شرکتها بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای دستیابی به هماهنگی بین سیستمهای مالیاتی شرکتها مورد بحث قرار گرفته شده است (دانک، ۲۰۱۲). باین وجود، به نظر می رسد که بحث در خصوص مالیات در طول این سالها رویه افزایش بوده و یکی از مباحث مهم در هر کشور به شمار می آید (پاروسونز، ۱۹۶۰). درآمد مالیاتی جمع آوری شده توسط دولت، بخش بزرگی از هزینههای شرکتها را تشکیل داده و سود خالص و گردش پول را کاهش می دهد. به حداقل رساندن پرداخت مالیات بخش از هدف شرکتها است و یک روش معمول برای به حداکثر رساندن سود است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۵). به طور نمونه، شرکتهای چندملیتی که در کشورهای مختلف فعالیت می کنند، همواره با قرار دادن فعالیت های خود در سودمندترین مکان، فرصت برنامه ریزی مالیاتی را برای خود به دست می آورند (دوپنیک و پرا، ۲۰۰۹)؛ بنابراین موضوع مالیات و پرداخت آن از مهم ترین مباحث در هر کشوری محسوب می گردد و در کشور ایران، این موضوع به عنوان یکی از اصلی ترین ابزارهای کسب درآمد دولتها در مسیر دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است (ایمانی برندق و همکاران، ۱۳۹۵).

در اقتصاد نوظهور ایران نیز، اجتناب مالیاتی می تواند یکی از بزرگ ترین مشکلاتی باشد که سیستم مالیاتی با آن مواجه است. اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده اند. بر اساس تعریف اسلیمرد (۲۰۰۴) نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می شود. طی دوره اخیر ادبیات اجتناب از مالیات رشد چشمگیری داشته است و تأثیر عوامل زیادی در داخل شرکت و بیرون از شرکت بر مسئله اجتناب از مالیات مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این عوامل می توان به اثر اندازه شرکت (زیمرن، ۱۹۸۳، وانگ، ۱۹۹۱؛ خواجوی و همکاران، ۱۳۹۷)، اهرم مالی (استیکنی و مک گی، ۱۹۸۲)، میزان گزارش اقلام اختیاری (هانلون، ۲۰۰۵)، انتقال درآمدها (رگو، ۲۰۰۳)، عوامل حاکمیت شرکتی و ویژگیهای هیئت مدیره (علیانی و زاری، ۲۰۱۲؛ دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۰)، محتوای اطلاعاتی درآمد مشمول مالیات (تایلور و ریچاردسون، ۲۰۱۴)، شهرت مدیران عامل (دووان و همکاران،

۲۰۱۸)، مدیران مستقل (نینا، ۲۰۱۷)، کیفیت اطلاعات داخلی و کیفیت افشای شرکت (تحریری و خوئینی، ۱۳۹۶) و هزینههای نمایندگی (حاجیان نژاد و دانش سرارودی، ۱۳۹۸) اشاره نمود. به طور مثال، مینگ و نوگا (۲۰۱۰) نیز با انجام مطالعاتی در این زمینه نشان داده اند که شرکت های با کمترین میزان هیئت مدیره مستقل و بیشترین میزان پاداش به مدیران عامل و هیئت مدیره، اجتناب مالیاتی بیشتری انجام می دهند.

بنابراین سؤال اساسی که همواره برای سهامداران مهم تلقی می شود این مسئله بوده است که چگونه می توان به شاخصی جهت اندازه گیری و تبیین اجتناب مالیاتی شرکتها دست یافت؟ در پاسخ به این سؤال با توجه به عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکتها، بر اساس پژوهش های صورت گرفته سعی بر شناسایی این عوامل خواهیم بود.

بر همین اساس هدف پژوهش حاضر ارائه مدلی جدید برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکتها با استفاده از مدل های تصمیم گیری چند معیاره می باشد که برای اولین بار مطرح می شود. انتظار می رود با به کارگیری این شاخص در هر لحظه بتوان به راحتی شاخص اجتناب مالیاتی شرکتها خاص را محاسبه نمود و به این نکته پی برد که آیا شرکت دارای اجتناب مالیاتی شرکتها است یا خیر؟ یافته های پژوهش حاضر به عنوان یک دستاورد علمی می تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه گذاران، قانون گذاران بازار سرمایه، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد. در ادامه مقاله پس از بیان مبانی نظری، پیشینه پژوهش به بحث گرفته شده و سپس روش پژوهش و یافته ها ارائه خواهد شد.

مبانی نظری و مروری بر ادبیات موجود

اجتناب از مالیات از دیدگاه سنتی و مرسوم خود یک فعالیت حداکثر کننده ارزش تلقی می شود که ثروت را از دولت به سهامداران شرکت منتقل می کند. باین وجود، یک ویژگی مهم شرکت های بزرگ و مدرن، جدایی مالکیت از مدیریت است. در چارچوب ثنوری نمایندگی، تحقیقات اخیر استدلال می کنند که فعالیت های اجتناب از مالیات، می تواند امکان رفتارهای فرصت طلبانه را به مدیریت بدهد. تعاریف متفاوتی از اجتناب مالیاتی به وسیله محققان ارائه شده است. اجتناب از مالیات به عنوان کاهش مالیات آشکار هر ریال از سود قبل از مالیات تعریف شده است (هانلون و هیتمن، ۲۰۱۰). اجتناب مالیاتی شامل مجموعه راهکارهایی است که منجر به کاهش مالیات در چارچوب قوانین و مقررات می شود (فخاری و طهماسبی خورنه، ۱۳۹۵). همچنین صفری گرایلی و پودینه

کاهش می‌تواند مالیات تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار گیرد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳؛ مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶).

پیشینه خارجی

دووان و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر شهرت مدیران عامل بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های اس و پی ۵۰۰ برای دوره مالی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ را مورد بررسی قرار دادند. نمونه استخراجی آن‌ها متشکل از تعداد ۲۸۴۱ مدیرعامل بود که در این پژوهش از نام کامل مدیرعامل و دستگاه نگارش بهای سهام شرکت‌ها برای بدست آوردن شاخص حجم بررسی برای مدیران عامل استفاده گردید. یافته‌های آن‌ها بر اساس مدل اثرات ثابت صنعت و سال نشان داد که مدیران عامل دارا شهرت بیشتر، به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که نرخ مؤثر مالیات پایین‌تری داشته باشند. همچنین آن‌ها استدلال کردند که شرکت‌های با مدیران عامل دارا شهرت بیشتر، حق‌الزحمه‌های بالاتری به حساب‌رسان پرداخت می‌کنند و این نشان می‌دهد که مدیران عامل این شرکت‌ها قصد دارند از خدمات برنامه‌ریزی مالیاتی حساب‌رسان بیشتر استفاده کنند. وان در پیلوس (۲۰۱۷) تأثیر مدیران مستقل بر اجتناب مالیاتی را با استفاده از داده‌های ۴۹۵ شرکت اس و پی ۵۰۰ برای دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ بررسی نمود. او با استفاده از تحلیل بر اساس مدل رگرسیون اثرات ثابت مبتنی بر داده‌های پانل به این نتیجه رسید که زمانی که تعداد مدیران مستقل بیشتری در هیئت‌مدیره حضور داشته باشند، سطح اجتناب مالیاتی پایین‌تری خواهد بود، زیرا هیئت‌مدیره به‌عنوان یک سازوکارهای کنترل داخلی می‌باشد که اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین حرفه حسابداری نیز نقش هیئت‌مدیره در نظارت بر مدیریت را به رسمیت می‌شناسد. پارک و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی رابطه توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی در کشور کره طی دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱ پرداختند. در این پژوهش به‌منظور سنجش توانایی مدیران از تحلیل پوششی داده‌ها استفاده شده است. آنان دریافتند که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت، رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. تابلور و ریچاردسون (۲۰۱۴) رابطه بین اجتناب مالیاتی و نقش و ویژگی‌های مدیران ارشد را بررسی کردند. آن‌ها نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰ شرکت استرالیایی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ را مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که گزارشگری وضعیت نامطمئن مالیاتی، تخصص مالیاتی اعضای هیئت‌مدیره و پاداش مدیران ارشد شرکت رابطه مثبت معنی‌داری با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها

(۱۳۹۵) براین باورند که اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است که دربرگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است. همچنین جلیلیان و همکاران (۱۳۹۸) اجتناب از مالیات را در واقع نوعی استفاده از خلاقیت‌های قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات بیان می‌کند. مطابق با یافته‌های کیم و همکاران (۲۰۱۷) که حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی اثر سوء بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها دارد، همچنین اجتناب از مالیات مستلزم استفاده از ساختار پیچیده‌ای است که به مدیران اجازه می‌دهد معیارهای عملکرد شرکت را دست‌کاری کنند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹) با فرض اینکه شرکت‌ها به‌طور بالقوه با تعارضات نمایندگی مواجه هستند، تأثیر منفی اجتناب مالیاتی بر محیط اطلاعاتی شرکت به مدیران امکان می‌دهد که منابع شرکت را در درازمدت منحرف کنند (کیم و همکاران، ۲۰۱۷). این استدلال بیانگر آن است که اجتناب مالیاتی می‌تواند به ضرر منافع سهامداران یک شرکت باشد. همان‌طور که دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) بیان می‌کنند، مدیران فرصت‌طلب می‌توانند از تکنیک‌های اجتناب مالیاتی برای پیشبرد منافع خود و ایجاد تنش بین مدیران و سهامداران در اجتناب از مالیات استفاده کنند.

انگیزه مالیاتی برای اعمال حسابداری محافظه‌کارانه بسیار جذاب است، مخصوصاً در این برهه از زمان که مشاهده می‌نماییم این تردید و گمان قوت گرفته است که شرکت‌های بزرگ، مالیات کمتر از واقع پرداخت می‌نمایند. برخی از مطالعات نشان می‌دهند در سال‌های اخیر تصور اینکه شرکت‌های بزرگ مالیات واقعی خود را نمی‌پردازند شدت یافته است؛ این تصور بعد از رسوایی‌های اخیر تقویت گردیده است. انرون نمونه خوبی از این نوع شرکت‌ها است؛ این شرکت تا قبل از ورشکستگی خود مالیات ناچیزی پرداخت می‌کرد، درحالی‌که در همین راستا درآمدهای هنگفتی شناسایی و گزارش می‌نمود (کیم و یانگ، ۲۰۰۵). در واقع انرون با استفاده از ضعف‌های قانونی و استانداردی و همچنین با به‌کارگیری حسابداری متهورانه و تقلب در گزارشگری مالی نشان داد چگونه می‌توان چندین سال بازار، دولت و جامعه را فریب داد و درعین‌حالی که درآمدهای هنگفتی شناسایی نمود؛ از شناسایی و پرداخت مالیات اجتناب نمود. در این خصوص، اجتناب مالیاتی شرکت‌ها سعی دارند از خلا قانونی به نفع خود استفاده نمایند و یا اینکه سعی نمایند درآمدهای خود را از منابع معاف از مالیات تحصیل نمایند و از این طریق در مالیات بر درآمد خود صرفه‌جویی نمایند؛ لذا اجتناب مالیاتی می‌تواند ضمن کاهش مالیات بر درآمد، سود و دارایی‌ها را افزایش دهد؛ بنابراین اتخاذ رویکرد

دارند و در مقابل شرکت‌هایی که حداقل یک عضو هیئت‌مدیره دارای وابستگی مالیاتی دارند، دارای رابطه معنی‌داری منفی با اجتناب از مالیات می‌باشند.

پیشینه داخلی

در ایران نیز پژوهش‌های زیادی در مورد اجتناب مالیاتی صورت گرفته است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. حاجیان نژاد و دانش سرارودی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که سودآوری، قابلیت تبیین هر یک از متغیرهای نقدشوندگی و هزینه نمایندگی را به‌عنوان متغیر درون‌زا دارد و با توجه به نتایج معادلات هم‌زمان، نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت داشته است. خواجهی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش و انگیزه هیئت‌مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۰۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که افزایش وضعیت نامطمئن مالیاتی توسط هیئت‌مدیره به‌منزله احساس خطر مالیاتی و در نتیجه اجتناب از مالیات است. همچنین انگیزه پاداش هیئت‌مدیره نیز تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب از مالیات دارد. ولی در مورد ترکیب جنسیت که تأثیر معناداری بر اجتناب از پرداخت مالیات نداشته است، به آن معنی است که حضور زنان در هیئت‌مدیره از اجتناب در پرداخت مالیات، جلوگیری ننموده است. شیبانی تدرجی و خدای پور (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی با استفاده از یک نمونه متشکل از ۷۹ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که ارتباط مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب از مالیات، زمانی برجسته‌تر است که شرکت کمتر در مدیریت سود واقعی درگیر شود. کمالی منفرد و احمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها با استفاده از یک نمونه متشکل از ۸۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲

پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که توانایی مدیریت تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارد و این نتیجه مؤید دیدگاه مبتنی بر تئوری نمایندگی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی و تعامل آن با توانایی مدیریت بر ارزش بازار شرکت تأثیر معناداری ندارد و نمی‌تواند بر واکنش سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه مؤثر واقع شود. غلامی کیان و فقیه (۱۳۹۶) به تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت پیش‌بینی سود با نمونه ۹۹ تایی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به‌صورت تحلیل داده ترکیبی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که اجتناب مالیاتی، قدرت پیش‌بینی سود را کاهش می‌دهد.

بازنگری پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که عوامل متعددی در این مطالعات به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی بکار گرفته شده است. با توجه به مطالب فوق بدیهی است که در هر کشوری با توجه به محیط‌های اجتماعی و اقتصادی آن کشور مقدار شدت و ضعف این عوامل باهم متفاوت می‌باشد؛ بنابراین بررسی اینکه آیا می‌توانیم شاخصی جامع از اجتناب مالیاتی شرکت‌های ایرانی داشته باشیم موضوعی بحث‌برانگیز می‌باشد و این پژوهش درصدد آن هست که با ترکیب این عوامل بتواند با توجه به شرایط ایران یک شاخص جامعی را برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی ارائه دهد. ارائه این شاخص می‌تواند به سرمایه‌گذاران و سایرین کمک کرده تا برای سرمایه‌گذاری، رسیدگی، برنامه‌ریزی و ... درک بهتری را از شرکت داشته و میزان اتکاء خود از اطلاعات شرکت را تعیین کنند.

روش پژوهش، جامعه و نمونه آماری

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها توصیفی است. از نظر نوع داده‌ها پژوهشی کیفی و کمی است و از نظر شیوه تحلیل داده‌ها پژوهشی با روش آمیخته است که در بخشی از پژوهش از روش کیفی و در بخش دیگر از روش کمی استفاده شده است. با توجه به نو بودن موضوع پژوهش، این پژوهش درصدد بررسی موارد زیر می‌باشد:

- ۱) بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها
 - ۲) تبیین شاخص جامع پیشنهادی برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت
- لذا در این پژوهش سعی بر آن است که برای سؤالات زیر پاسخ مناسب ارائه شود:
- ۱) عوامل تأثیرگذار محاسبه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شامل چه مواردی می‌باشند؟

۲) مدل پیشنهادی جدید برای محاسبه شاخص اجتناب مالیاتی به چه صورت تبیین می‌شود؟

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و قلمرو زمانی پژوهش ۸ ساله طی دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ می‌باشد و نمونه‌های آماری بر اساس شرایط زیر انتخاب شده‌اند:

- ۱) تا پایان اسفندماه سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی دوره‌های موردنظر تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۳) اطلاعات موردنیاز جهت محاسبه متغیرهای پژوهش در طول دوره‌های زمانی مورد مطالعه در دسترس باشد.
- ۴) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی نباشند.

نمونه نهایی پژوهش پس از اعمال شرایط بالا شامل ۱۵۱ شرکت شد. در مورد اینکه چگونه می‌توانیم شاخصی جامع را برای سنجش اجتناب مالیاتی ارائه دهیم روش کار به صورت زیر بوده است:

- مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی موضوع مورد پژوهش و شناسایی عوامل تأثیرگذار اجتناب مالیاتی شرکت که در پژوهش‌های پیشین مورداستفاده قرار گرفته‌اند و انتخاب این عوامل با توجه به اجتناب مالیاتی ایرانی.
- تهیه پرسشنامه برای نظرخواهی از خبرگان درباره وزن و اهمیت معیارهای در نظر گرفته شده برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت به کمک یکی از روش‌های مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه و توزیع آن بین خبرگان.
- جمع‌آوری پرسشنامه توزیع شده بین خبرگان و تعیین وزن هر یک از عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکت به روش آنتروپی شانون.
- جمع‌آوری داده‌های موردنیاز برای اندازه‌گیری هر یک از عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکت از طریق پایگاه‌های داده و اندازه‌گیری عامل‌های مؤثر بر اجتناب مالیاتی و استاندارد کردن آن‌ها.

تبیین مدل اندازه‌گیری شاخص جامع اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با استفاده از عوامل تأثیرگذار بر آن و وزن آن‌ها به صورت ترکیبی.

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش که عوامل تأثیرگذار اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شامل چه مواردی می‌باشند؟ با مطالعه ادبیات پژوهش و شرایط بومی کشور داده‌های این پژوهش برای تبیین اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دربرگیرنده ده عامل: مسئولیت اجتماعی شرکت، توانایی مدیریت، نرخ بازده مورد انتظار سهامداران، ارزش شرکت، وجود کمیته حسابرسی، تمرکز مشتری، حاکمیت شرکتی، همواسازی درآمد مشمول مالیات، بیش اطمینانی مدیریت، تخصص حسابرس در صنعت می‌باشند که در اکثر پژوهش‌های گذشته داخلی و خارجی از این عوامل به عنوان عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها استفاده می‌شد. داده‌های مالی موردنیاز مدل پژوهش از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت رسمی سازمان بورس استخراج شده است. برای وزن دادن به عامل‌های ذکر شده در محاسبه شاخص اجتناب مالیاتی از نظرات خبرگان استفاده شد. بدین ترتیب که پرسشنامه‌ای الکترونیکی حاوی ۱۰ سؤال که هر سؤال شامل یک عامل مورداستفاده در مدل بود به ۴۳ نفر خبره حرفه‌ای و دانشگاهی شامل اعضای هیئت‌علمی، مدیران و تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارگزاری‌ها که در دسترس بودند، ارسال و در رابطه با وزن عوامل ده‌گانه مؤثر در سنجش اجتناب مالیاتی از آن‌ها نظرخواهی شد. سپس کلیه پرسشنامه‌های ارسالی به خبرگان جمع‌آوری گردید و با استفاده از تکنیک آنتروپی شانون که در قسمت بعد توضیح داده می‌شود وزن عوامل مشخص شدند. لازم به ذکر است ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه فوق برابر با ۰/۸۲۶ بود که نشان‌دهنده پایایی و اعتبار خوب آن می‌باشد.

مراحل اجرای تکنیک آنتروپی

برای سنجش وزن و سهم هر یک از عوامل ده‌گانه فوق، گام‌های اساسی به شرح زیر لازم است (ماکوئی، ۱۳۸۷):

- گام اول:** ماتریس تصمیم‌گیری شاخص‌ها تعیین می‌شود.
- گام دوم:** داده‌های به دست آمده از ماتریس تصمیم‌گیری برای تحلیل و بررسی نرمال می‌شوند.
- گام سوم:** تعیین مقدار E_j در آنتروپی مشخصه زام می‌باشد.
- گام چهارم:** با کمک E_j، مقدار d_i را برای هر مشخصه محاسبه می‌شود.

گام پنجم: وزن ابعاد، معیارها و متغیرها W_j به عنوان مشخصه Z که با توجه به گام‌های بالا، آمار جمعیت‌شناسی خبرگان و ام به دست آمده می‌آید. وزن‌های تعیین شده به شرح زیر است:

جدول (۱). جمعیت شناختی پژوهش

متغیر	متغیر فرعی	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۳۶	٪۸۴
	زن	۷	٪۱۶
سن	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۱۰	٪۲۳
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۲۸	٪۶۵
	بیشتر از ۵۰ سال	۵	٪۱۲
میزان تحصیلات	دانشجوی دکتری	۷	٪۱۶
	دکتری تخصصی	۳۶	٪۸۴

جدول (۲). درجه اهمیت بر اساس آنتروپی برای عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی

عوامل مؤثر	مسئولیت اجتماعی شرکت	توانایی مدیریت	نرخ بازده مورد انتظار سهامداران	ارزش شرکت	وجود کمیته حسابرسی	تمرکز مشتری	حاکمیت شرکتی	هموازش ی درآمد مشمول مالیات	بیش اطمینانی مدیریت	تخصص حسابرسی در صنعت
Ej	۰/۹۷۳	۰/۹۸۲	۰/۹۸۷	۰/۹۵۳	۰/۹۶۶	۰/۹۸۰	۰/۹۳۴	۰/۸۹۸	۰/۹۰۷	۰/۹۳۳
dj=1-Ej	۰/۰۲۷	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۴۷	۰/۰۳۴	۰/۰۲	۰/۰۶۶	۰/۱۰۲	۰/۰۹۳	۰/۰۶۷
Wj (وزن)	۰/۱۲۸	۰/۱۳۹	۰/۱۴۸	۰/۱۱۸	۰/۱۵۹	۰/۰۹۷	۰/۱۳۵	۰/۱۶۳	۰/۱۴۱	۰/۱۶۸

محاسبه اجتناب مالیاتی تعیین شود. با توجه به توضیحات فوق و مفروضات مطرحه مدل پیشنهادی زیر برای محاسبه اجتناب مالیاتی ارائه شده است.

مدل (۱)

$$ETR_{it} = \sum_{s \in S} W_{s it} \frac{P_{s it}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{s it}\}} + \sum_{k \in K} W_{k it} \frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{k it}\} - P_{k it}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{k it}\} - P_{k it}\}}$$

که در این مدل:

ETR_{it} شاخص اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t می‌باشد.

N تعداد شرکت‌ها

S مجموعه اندیس عواملی است که با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم دارند

K مجموعه اندیس عواملی است که با اجتناب مالیاتی رابطه معکوس دارند

$W_{j it}$ وزن عامل j ام شرکت i در سال t

$P_{j it}$ مقدار عامل j ام شرکت i در سال t

پس از تعیین وزن عوامل مؤثر بر سنجش اجتناب مالیاتی شرکت، پاسخ سؤال دوم پژوهش که ارائه مدل جامع برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت می‌باشد در بخش بعدی آورده شده است.

مدل پیشنهادی جهت سنجش اجتناب مالیاتی

در این پژوهش از شاخص ترکیبی موزون برای سنجش اجتناب مالیاتی استفاده شده است. برای ارائه مدل پیشنهادی در این پژوهش ابتدا لازم است سه فرض اولیه در نظر گرفته شود. نخست اینکه برای محاسبه اجتناب مالیاتی اصل جمع‌پذیری را پذیرفته، یعنی اجتناب مالیاتی برابر است با مجموع عوامل تأثیرگذار بر آن. به عبارتی عوامل با یک قاعده‌ای با همدیگر جمع شده و اجتناب مالیاتی را تعیین می‌کنند. مضافاً اینکه نحوه تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بر اجتناب مالیاتی به تناسب ضریب یا وزنشان که در قسمت قبل محاسبه شد، می‌باشد (خاصیت تناسب). ثالثاً اینکه می‌پذیریم میزان تأثیرگذاری هر عامل بر اجتناب مالیاتی به صورت نرمال شده است این عمل به این دلیل انجام می‌شود که یک کف و سقف معنادار یا یک حداقل و حداکثر برای

$$ETR_{at} = \sum_{s \in S} W_s at \frac{P_s at}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_s it\}} + \sum_{k \in K} W_k at \frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at}{\max_{1 \leq i \leq N} \left\{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at \right\}} \leq \sum_{s \in S} W_s at + \sum_{k \in K} W_k at$$

و از آنجا که $S \cup K = \{1, 2, 3, \dots, M\}$ و همین طور $\sum_{1 \leq j \leq M} W_j at = 1$ داریم:

$$\sum_{s \in S} W_s at + \sum_{k \in K} W_k at = 1$$

بنابراین،

$$ETR_{at} \leq 1.$$

ملاحظات: قضیه (۱) نشان دهنده آن است که

اجتناب مالیاتی خاصیت یکنوایی دارد، یعنی برای هر شرکت با عوامل ترتیبی اجتناب مالیاتی بر اساس ترتیب عوامل مرتب می شود. این خاصیت مقایسه پذیری دو شرکت بر اساس عوامل اجتناب مالیاتی را توجیه می کند. همین طور قضیه (۲) نشان می دهد که اجتناب مالیاتی حاصل از مدل پیشنهادی پژوهش کراندار است و بنابراین برای ارزیابی یک جامعه شامل شرکتها، قابل اتکاء می باشد.

عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی

الف) مسئولیت اجتماعی شرکت

یکی از عواملی که بر فعالیتهای اجتناب از مالیات شرکتها تأثیرگذار است، میزان افشای اطلاعات شرکت از جمله افشای مسئولیت اجتماعی شرکت است. مطابق با پژوهش حساس یگانه و رضایی (۱۳۹۷) شرکتهایی که از افشای مسئولیت اجتماعی بالایی برخوردارند، کمتر به فعالیتهای اجتناب از مالیات می پردازند. لذا این انتظار وجود دارد که افشای مسائل مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت که می توان ریشه آن را با استفاده از نظریه ذی نفعان دنبال نمود؛ با فعالیت اجتناب از مالیات شرکت رابطه مستقیم و معناداری داشته باشد. لذا در این پژوهش سعی گردید مطابق با پژوهش مران جوری و علی خانی (۱۳۹۳) که با استفاده از روش تحلیل محتوا به افشای شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند مورد بررسی قرار گیرد.

جهت سنجش هر یک از ابعاد افشای مسئولیت اجتماعی در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار، هر یک از ابعاد مدنظر را در گزارشات هیئت مدیره در بخش گزارش عملکرد

واضح است که اگر M تعداد کل عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی باشد آنگاه $M = |S| + |K|$ که در آن $|S|$ نمایشگر تعداد عناصر مجموعه S و $|K|$ نمایشگر تعداد عناصر مجموعه K می باشد.

قضیه (۱): اگر برای دو شرکت با اندیس a و b داشته باشیم:

$$P_s at \leq P_s bt \quad \forall s \in S$$

و

$$P_k at \leq P_k bt \quad \forall k \in K$$

آنگاه

$$ETR_{at} \leq ETR_{bt}.$$

قضیه (۲): همچنین برای شرکت با اندیس a داریم:

$$0 \leq ETR_{at} \leq 1$$

برهان: برای اثبات قضیه (۱) بدیهی است که اگر

$$P_s at \leq P_s bt$$

آنگاه

$$\frac{P_s at}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_s it\}} \leq \frac{P_s bt}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_s it\}}$$

از طرفی اگر $P_k at \leq P_k bt$

آنگاه

$$\max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at \leq \max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k bt$$

بنابراین؛

$$\frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k bt}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k bt \}} \leq \frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at \}}$$

و از آنجا که $W_j at \geq 0$ پس:

$$ETR_{at} \leq ETR_{bt}$$

برای اثبات قضیه (۲) بدیهی است که $ETR_{at} \geq 0$ برای اثبات نامساوی دیگر داریم:

$$P_s at \leq \max_{1 \leq i \leq N} \{P_s it\} \quad \forall s \in S$$

و بنابراین،

$$\frac{P_s at}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_s it\}} \leq 1$$

از طرفی

$$\max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at \leq \max_{1 \leq i \leq N} \left\{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at \right\}$$

پس

$$\frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at}{\max_{1 \leq i \leq N} \left\{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_k it\} - P_k at \right\}} \leq 1$$

و بنابراین،

ب) توانایی مدیریت

روس و شپرد (۱۹۹۷)، شاونینا و مدوید (۲۰۰۹) و براتراند و اسپور (۲۰۰۳) بیان کردند که مدیران در تصمیم‌گیری‌های خود در زمینه‌های مالی و سرمایه‌گذاری از سبک‌ها و شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند و بیانگر این است که مدیران با توانایی بالا با استفاده از سبک‌ها و شیوه‌های مدیریتی خود باعث بالاتر رفتن کیفیت عملکرد شرکت می‌شوند. تمرکز بر روی توانایی‌های مدیریتی باعث درک بهتر عوامل تعیین‌کننده استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها می‌شود. فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) ارتباط بین توانایی‌های مدیریتی و اجتناب از پرداخت مالیات را بررسی نمودند. آن‌ها دریافتند رابطه منفی و معنادار بین توانایی‌های مدیریتی و اجتناب مالیاتی وجود دارد، به این معنی که مدیر توانمند، اجتناب مالیات کمتری دارد. این رابطه این‌گونه تفسیر شد که مدیران با توانایی بالا منابع را به درآمد بیشتر تبدیل نموده، بنابراین وقت خود را صرف فعالیت‌های اجتناب مالیاتی نخواهند نمود. لذا این انتظار می‌رود که بین توانایی‌های مدیریتی و اجتناب مالیاتی ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته باشد.

جهت سنجش توانایی مدیریتی با استفاده از الگوی درمجان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این الگو، با استفاده از ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌گردد. به‌منظور سنجش کارایی شرکت، درمجان و همکاران (۲۰۱۲) از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها استفاده نمودند. آن‌ها برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی که به صورت رابطه (۲) است استفاده کردند.

رابطه (۲):

$$\text{[(max)}_v \theta = \text{Sale}/(\text{V}_1 \text{ CoGS} + \text{V}_2 \text{ SG\&A} + \text{V}_3 \text{ NetPPE} + \text{V}_4 \text{ OpsLease} + \text{V}_5 \text{ R\&D} + \text{V}_6 \text{ Goodwill} + \text{V}_7 \text{ Intan})$$

در این مدل، COGS: بهای کالای فروش رفته در سال t ، SG&A: هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در سال t ، NetPPE: مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال t ، OpsLease: هزینه اجاره عملیاتی در سال t ، R&D: هزینه تحقیق و توسعه در سال t ، Goodwill: سرفقلی خریداری‌شده در ابتدای سال t ، Intan: مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال t و Sales: میزان فروش. لازم به ذکر است از آنجایی که هزینه‌های تحقیق و توسعه و اطلاعات مرتبط با اجاره‌ها توسط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در صورت‌های مالی شناسایی نمی‌گردد، اثر آن از مدل حذف شده است.

اجتماعی شرکت یافته و پس از بررسی آن اگر هر یک از زیربخش‌های مرتبط با ابعاد مسئولیت اجتماعی افشا شده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر خواهند گرفت.

• بعد مسائل محیطی مسئولیت اجتماعی

مجموع نمرات به دست آمده از این مولفه شامل؛ کنترل آلودگی، جلوگیری از خسارات زیست محیطی، بازیافت یا جلوگیری از ضایعات، حفظ منابع طبیعی، تحقیق و توسعه، سیاست زیست محیطی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیست محیطی، سایر مسائل محیطی می‌باشد که در گزارشات هیئت‌مدیره شرکت‌های عضو نمونه، گزارش شده است. برای اندازه‌گیری بعد مسائل محیطی مسئولیت اجتماعی پس از آنالیز محتوای گزارشات هیئت‌مدیره شرکت‌های انتخاب شده، اگر در شرکتی هر یک از شاخص‌های فوق‌الذکر رعایت شده باشد به آن ارزش یک و در غیر این‌صورت ارزش صفر لحاظ می‌گردد (مران جوری و علی خانی، ۱۳۹۳).

• بعد کارکنان مسئولیت اجتماعی

مجموع نمرات بدست‌آمده از این مولفه شامل؛ روابط اتحادیه، اشتراک در سود نقدی، مشارکت کارکنان، بهداشت ایمنی، مزایای بازنشستگی، سایر مشرتیان می‌باشد که در گزارشات هیئت‌مدیره شرکت‌های عضو نمونه، گزارش شده است. برای اندازه‌گیری بعد کارکنان مسئولیت اجتماعی پس از آنالیز محتوای گزارشات هیئت‌مدیره شرکت‌های انتخاب شده، اگر در شرکتی هر یک از شاخص‌های فوق‌الذکر رعایت شده باشد به آن ارزش یک و در غیر این‌صورت ارزش صفر لحاظ می‌گردد (مران جوری و علی خانی، ۱۳۹۳).

• بعد محصولات و خدمات مسئولیت اجتماعی

مجموع نمرات بدست‌آمده از این مولفه شامل؛ توسعه محصول، سهم بازار، کیفیت محصول/ISO، ایمنی و سلامت محصول، توقف تولید، سایر محصولات و خدمات می‌باشد که در گزارشات هیئت‌مدیره شرکت‌های عضو نمونه، گزارش شده است. برای اندازه‌گیری بعد محصولات و خدمات مسئولیت اجتماعی پس از آنالیز محتوای گزارشات هیئت‌مدیره شرکت‌های انتخاب شده، اگر در شرکتی هر یک از شاخص‌های فوق‌الذکر رعایت شده باشد به آن ارزش یک و در غیر این‌صورت ارزش صفر لحاظ می‌گردد (مران جوری و علی خانی، ۱۳۹۳). در نتیجه برای اندازه‌گیری شاخص مسئولیت اجتماعی، مجموع نمرات کلیه مولفه‌ها (جامعه، کارکنان، محیط زیست و محصولات) در نظر گرفته می‌شود.

مالیاتی شرکت‌ها و سطح نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران را می‌توان بر اساس مدل لامبرت و همکاران به صورت مستقیم و با ارزیابی سرمایه‌گذاران از ریسک شرکت‌ها است که می‌تواند منجر به افزایش نرخ بازده مورد انتظار شرکت‌ها گردد دنبال کرد. مطابق با نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین، این انتظار می‌رود که بین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت و نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته باشد؛ بنابراین مطابق با پژوهش عباسی و بشیری جویباری (۱۳۹۴) جهت محاسبه نرخ بازده مورد انتظار سهامداران از شاخص سود به قیمت تعدیل شده صنعت که بیانگر ارزیابی سرمایه‌گذاران از نرخ بازده مورد انتظار شرکت‌ها است برآورد خواهد شد. این شاخص از طریق نسبت سود به قیمت شرکت به میانه سود به قیمت صنعت محاسبه می‌گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). این شاخص اهمیت سودهایی که در مقابل قیمت سهام کوچک بوده را حفظ و معیار مطلوبی از نرخ بازده مورد انتظار سهامداران است.

ت) ارزش شرکت

از آنجایی که اجتناب مالیاتی، یکی از استراتژی‌های مهم شرکت محسوب می‌گردد (کای و لیو، ۲۰۰۹؛ هانلن و هیترمن، ۲۰۱۰)؛ لذا به‌طور کلی، این باور وجود دارد که اجتناب از مالیات از سوی شرکت، نشان‌دهنده انتقال ثروت از دولت به شرکت‌هاست و این امر موجب افزایش ارزش شرکت می‌گردد. لذا این انتظار می‌رود که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی منجر به افزایش ارزش شرکت گردد و یک رابطه مستقیم و معناداری بین آن‌ها وجود داشته باشد. مطابق با پژوهش جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۱۳۹۵) جهت سنجش ارزش شرکت از معیار کیو توبین استفاده خواهیم کرد. برای محاسبه این معیار از حاصل نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری بدهی به ارزش دفتری دارایی شرکت به دست می‌آید.

ث) وجود کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی از اجزای ارکان راهبری بنگاه تلقی می‌شود و شرکت‌ها و سهامداران برای نظارت دقیق تر بر زمینه‌هایی همچون ریسک، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت، صحت گزارشگری مالی و رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، بر قضاوت اعضای کمیته حسابرسی اتکا می‌کنند (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). کمیته حسابرسی به سهامداران کمک می‌کند تا مطمئن شوند منافع آن‌ها در اثر انجام حسابرسی به حداکثر می‌رسد (اعتمادی و شفاخیبری، ۱۳۹۰) و نقش مهمی

مقدار محاسبه‌شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا ۱ قرار می‌گیرد. هدف از محاسبه کارایی شرکت، سنجش توانایی مدیریت است.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به‌منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در مدل خود کارایی شرکت را به دو بخش جداگانه، یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم کرده‌اند. در مدل زیر که توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) ارائه‌شده، این پنج ویژگی کنترل شده‌اند.

رابطه (۳):

$$\text{Firm Efficiency} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Size} + \alpha_2 \text{ Market Share} + \alpha_3 \text{ FCF} + \alpha_4 \text{ AGE} + \alpha_5 \text{ Foreign Currency Indicator} + \varepsilon$$

که در آن؛ Size: اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت، Market Share: سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، FCF: این متغیر در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر در نظر گرفته شده است، AGE: عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است، Foreign Currency Indicator: متغیر مجازی است که برای شرکت‌هایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته‌اند برابر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی‌مانده مدل نیز نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است.

پ) نرخ بازده مورد انتظار سهامداران

از آنجایی که سرمایه‌گذاران شرکت توازن بین ریسک و بازده را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند. آن‌ها علاقه مند هستند بازده مورد انتظار آتی سرمایه‌گذاری خود را به کمک اطلاعات گزارش شده توسط شرکت‌ها و سایر شواهد برآورد کنند. هر قدر کیفیت اطلاعات رایج شده بالاتر باشد، از میزان ابهام در برآورد بازده مورد انتظار کاسته شده و ریسک اطلاعات کاهش خواهد یافت (کردستانی و مجدی، ۱۳۸۶). افزایش ریسک اطلاعاتی درباره شرکت، منجر به افزایش نرخ بازده مورد انتظار در جهت جبران این ریسک متحمل شده به سرمایه‌گذاران می‌گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). لامبرت و همکاران (۲۰۰۷) براین باورند که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی از طریق اثر مستقیم و با ارزیابی سرمایه‌گذاران از ریسک شرکت‌ها می‌تواند منجر به افزایش نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران گردد. ارتباط بین فعالیت‌های اجتناب

در بهبود کنترل شرکت دارد (بیکر و اوسن، ۲۰۰۲). لذا وجود کمیته حسابرسی مستقل می‌تواند بر فعالیت‌های اجتناب از مالیات بنگاه اثر بگذارد (فرانسیس، ۲۰۰۴) و موجب کاهش اجتناب مالیاتی آن شود (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۳). لذا این انتظار وجود دارد که بین کمیته حسابرسی و اجتناب از مالیات شرکت ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته باشد. جهت سنجش کمیته حسابرسی مطابق با پژوهش ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۳) از متغیر مجازی استفاده می‌شود، بدین نحو که اگر شرکت دارای کمیته حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

ج) تمرکز مشتری

تمرکز مشتری معیاری برای سنجش میزان تمرکز و مشتری مداری شرکت‌ها بوده و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رابطه بین مشتری و شرکت تامین کننده محسوب می‌شود. علاوه بر این، تمرکز مشتری نیز به‌عنوان یک ویژگی مهم از عملیات تجاری شرکت، نقش موثری در میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶). برپایه ادبیات نظری موجود، شرکت‌های برخوردار از مشتریان متمرکز از انگیزه بیشتری برای نگهداشت وجه نقد برخوردارند که در ادبیات حسابداری دلایل متعددی برای پشتیبانی از این دیدگاه ارائه شده است. نخست اینکه، وابستگی شرکت به مشتریان عمده مستلزم ریسک زیاد جریان های نقدی شرکت است. چرا که از دست دادن یک مشتری عمده می‌تواند به کاهش قابل ملاحظه جریان‌های نقدی شرکت منجر گردد (ایتزکوویتس، ۲۰۱۳؛ دالیوال و همکاران، ۲۰۱۶). دلیل دوم اینکه، شرکت‌های دارای تمرکز مشتری به‌منظور اطمینان خاطر مشتریان عمده از توانایی مالی شرکت برای ادامه فعالیت و تامین محصولات مورد نیاز آنان وجه نقد بیشتری نگهداری می‌کنند (وانگ، ۲۰۱۲؛ ایتزکوویتس، ۲۰۱۳). دلیل سوم اینکه، غالباً مشتریان عمده تمایل دارند که از طریق قدرت چانه‌زنی خود از شرکت تامین‌کننده امتیازات مناسب کسب کنند که این امر کاهش سودآوری و ایجاد جریان‌های نقدی کمتر و با نوسان بیشتری را برای شرکت به همراه خواهد داشت (گوسمن و کالیک، ۲۰۰۹؛ لان و پیرسی، ۲۰۰۶)؛ بنابراین با توجه به دلایل فوق، شرکت‌های دارای تمرکز مشتری بالاتر وجه نقد بیشتری نگهداری می‌کنند. از آنجاکه سیاست‌های اجتناب مالیاتی باعث کاهش خروج وجه نقد از شرکت می‌گردد، لذا انتظار می‌رود که شرکت‌های دارای مشتریان متمرکز، اجتناب مالیاتی بیشتری داشته باشند و این حاکی از وجود ارتباط مستقیم و معنادار بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی است

(سین و همکاران، ۲۰۱۷؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۶). لذا مطابق با پژوهش مردانی و همکاران (۱۳۹۷) جهت سنجش تمرکز مشتری از به پیروی از کردستانی و عباسی (۱۳۹۳) و هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) از نسبت فروش شرکت به مشتری عمده به کل فروش شرکت برآورد می‌گردد. دامنه تغییرات شاخص تمرکز مشتری بین صفر تا یک قرار دارد، به طوری که مقادیر بزرگ‌تر (کوچک‌تر) آن بیانگر تمرکز مشتری بالاتر (پایین‌تر) شرکت می‌باشد. در ایران استاندارد یا الزام خاصی برای افشای مشتریان عمده وجود ندارد، ولی بر اساس بیانیه ۱۳۱ هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی، در صورتی که درآمد حاصل از فروش به یک مشتری، ۱۰ درصد یا بیشتر از ۱۰ درصد کل درآمد شرکت را تشکیل دهد، افشای چنین مشتریانی در صورت‌های مالی الزامی است (کردستانی و عباسی، ۱۳۹۳)؛ که در پژوهش حاضر برای تعیین مشتریان عمده از این استاندارد استفاده شده است.

چ) حاکمیت شرکتی

در دهه های اخیر، حاکمیت شرکتی یک از جنبه های اساسی تجارت شده و توجه به آن روز به روز در حال افزایش است. در رویکرد محدود حاکمیت شرکتی، دولت به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی به ایفای نقش می‌پردازد؛ بدین ترتیب نتایج عملیات شرکت‌ها به سود منتهی شود. در این دیدگاه حتی اگر شرکت خود را ملزم به گسترش سطح مسئولیت پاسخگویی برای رعایت حقوق دیگر ذی‌نفعان نداند، بالاچار به دلیل الزامات قانونی، مجبور به رعایت حقوق دولت دایر بر محاسبه و پرداخت مالیات است (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). در همین راستا، ساتوری (۲۰۰۸) بیان می‌کند که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل است. همچنین قرنجیک و گرکز (۱۳۹۷) براین باورند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی منجر به کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. لذا این انتظار وجود دارد که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب از مالیات شرکت ارتباط معکوس و معناداری داشته باشد. به پیروی از صفری گرایلی و رضائی پینته‌نوئی (۱۳۹۷) و حیدری و همکاران (۱۳۹۵) برای اندازه‌گیری آن از متغیرهای زیر استفاده شده است:

۱) سهامداران نهادی (INST): سهامداران نهادی انگیزه و توانایی بیشتری برای دریافت اطلاعات به‌موقع و نیز ارزیابی افشای اطلاعات مالی شرکت دارند (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷). در این پژوهش برای سنجش میزان مالکیت سهامداران نهادی مجموع سهام تحت تملک بانک‌ها و بیمه‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین

حد دارند، مخارج سرمایه‌های بیشتری داشته باشند (بن و همکاران، ۲۰۱۰)؛ و سرمایه‌گذاری بیش از حدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند (مالمندر و تیت، ۲۰۰۵). به سبب این افزایش سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌های (دارایی‌های ثابت)، هزینه استهلاک افزایش می‌یابد؛ هزینه‌ای که به سود کمتر و هزینه مالیات کمتر می‌انجامد. با در نظر گرفتن ویژگی اطمینان بیش از حد مدیران، افشای شرکتی، بهتر می‌تواند اهداف فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و انگیزه کسب منافع افراد درون سازمانی را روشن و آشکار سازد. لذا این انتظار می‌رود که بیش اطمینانی مدیریت، ارتباط مستقیم و معناداری با اجتناب مالیاتی شرکت داشته باشد. لذا جهت سنجش بیش اطمینانی مدیریت به پیروی از شراند و زچمن (۲۰۱۱) این شاخص میزان سرمایه‌گذاری‌های مازاد در دارایی‌ها را نشان می‌دهد، از باقیمانده رگرسیون رشد دارایی کل بر رشد فروش که برای هر صنعت-سال جداگانه برآورد می‌شود، به دست می‌آید. اگر باقیمانده رگرسیون بزرگتر از صفر باشد این شاخص برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر می‌باشد. استفاده از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به همتای خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

د) تخصص حسابرس در صنعت

از جمله استراتژی‌هایی که در حال حاضر در موسسات حسابرسی برای افزایش سطح سودآوری به کار برده می‌شود، افزایش سطح تخصص در صنعت مشتری است. منظور از تخصص حسابرس در یک صنعت، شامل خلق ایده‌های سازنده جهت کمک (خلق ارزش افزوده) به صاحبکاران، همچنین فراهم نمودن دیدگاه‌ها و راه‌کارهای تازه برای برخی از موضوع‌هایی است که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه می‌شوند (کند، ۲۰۰۸). حسابرس ممکن است به‌طور هم‌زمان دو نقش متفاوت و مجزا را به‌عنوان حسابرس و به‌عنوان مشاوره مالیاتی برای شرکت‌ها ایفا کند. طبق ادبیات حسابرسی، موسسات حسابرسی به دنبال آموزش بیشتر کارکنان و افراد حرفه‌ای خود و افزایش سطح تخصص آنان در زمینه‌های مختلف و از جمله مالیاتی در یک صنعت خاص هستند (فرگوسن و همکاران، ۲۰۰۳). در پژوهش‌های گذشته نشان داده شده است که تخصص و دانش حسابرس در زمینه‌های مالیاتی و صنعت مشتری، از عوامل کلیدی مورد توجه شرکت‌های صاحبکار در جهت برنامه‌ریزی مالیاتی است (بونر و همکاران، ۱۹۹۲). لذا این انتظار می‌رود که وجود حسابرسان متخصص در صنعت با اجتناب مالیاتی رابطه

سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سازمان‌ها و نهادهای دولتی، بر کل تعداد سهام منتشره شرکت تقسیم می‌گردد. (۲) اندازه هیئت‌مدیره (BS): اندازه هیئت‌مدیره که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بااهمیت حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود، عبارت از تعداد مدیران (اعم از موظف یا غیرموظف) شرکت است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵).

ح) هموارسازی درآمد مشمول مالیات

چارچوب گزارشگری مالی، هموارسازی مستلزم تخصیص سود در طول دوره‌های زمانی مختلف جهت گزارش ارقام قابل مقایسه در طول سال است. یکی از ابزارهای هموارسازی درآمد مشمول مالیات، تغییر درآمد در طول سال مالیاتی و نیز استفاده از ابزارهای مالی مانند گزینه معاوضه می‌باشد. به‌عنوان مثال، شولز و همکاران (۱۹۹۲) و گئوتتر (۱۹۹۴) در تحقیقات خود مشاهده کردند که شرکت‌ها تایید درآمد خود را در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به‌منظور بهره‌برداری از کاهش نرخ مالیات در آینده به تعویق انداختند. همچنین در جهت هموارسازی درآمد مشمول مالیات، می‌توان استراتژی‌های مالیاتی برای تسریع درآمد مشمول مالیات، از جمله تغییرات در روش ثبت حسابداری برای شناسایی درآمد، قوانین سرمایه‌گذاری و کسری‌های تکرارشونده را مورد استفاده قرار داد تا از مزایای مالیاتی یا اعتبارات مالیاتی برخوردار شد (هانوی و ونس، ۲۰۱۰). لذا این انتظار می‌رود که بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی ارتباط معکوس و معناداری وجود داشته باشد. جهت سنجش هموارسازی درآمد مشمول مالیات به پیروی از پژوهش‌های پور و روستایی (۱۳۹۳) با استفاده از انحراف معیار مالیات پرداختی همگن شده با کل دارایی‌ها از دو سال قبل تا سال جاری به دست می‌آید.

خ) بیش اطمینانی مدیریت

اطمینان بیش از حد مدیرعامل به صورت مستعد بودن مدیرعامل برای پیش‌بینی بسیار مثبت نتایج تعریف می‌شود (مالمندر و تیت، ۲۰۰۵). مدیری که اطمینان بیش از حد دارد، به‌طور نظام‌مندی بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زند یا به بیانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می‌کند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند (هیتن، ۲۰۰۲)؛ بنابراین انتظار می‌رود مدیرانی که اطمینان بیش از

یافته‌های پژوهش

آمارهای توصیفی

برای ارائه نمای کلی از ویژگی‌های مهم متغیرهای مورد استفاده در سنجش اجتناب مالیاتی شرکت در جدول (۳) برخی از مفاهیم آماره‌های توصیفی این متغیرها، شامل تعداد مشاهدات، میانگین، حداقل و حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین مسئولیت اجتماعی شرکت برابر ۱۳/۱۲۸ و میانگین توانایی مدیریت، برابر ۰/۰۰۳ و میانگین نرخ بازده مورد انتظار سهامداران برابر ۶/۵۸۷ است. میانگین مسئولیت اجتماعی شرکت نشان‌دهنده آن است که اکثر شرکت‌های نمونه از افشای بالای اطلاعات از جمله افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت برخوردارند. علاوه بر این، مثبت بودن مقدار میانه نمره توانایی مدیریت برای معیار در نظر گرفته شده نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها بیشتر تمایل به سرمایه‌گذاری‌هایی با خالص ارزش مثبت دارند که این امر حاکی از توانایی مدیران در خصوص سرمایه‌گذاری‌های شرکت است.

جدول (۴) شاخص‌های درصد فراوانی و نما (مد) را برای متغیرهای دوجویی ارائه می‌کند.

با توجه به جدول (۴) می‌توان دریافت که در بیش از نیمی از شرکت‌های نمونه کمیته حسابرسی را دارا هستند. همچنین در اکثر شرکت‌ها مدیران از بیش اطمینانی کافی برخوردارند و حسابرسانی که شرکت‌های مورد نمونه را مورد حسابرسی قرار داده‌اند، از تخصص مالی و حسابداری در صنعت مورد نظر برخوردار بوده‌اند.

معکوس و معناداری داشته باشد؛ بنابراین جهت محاسبه تخصص حسابرسی در صنعت از رویکرد سهم بازار استفاده می‌گردد. مطابق با این رویکرد، تخصص حسابرسی در صنعت یک متغیر موهومی بوده و چنانچه سهم بازار یک موسسه حسابرسی خاص از نسبت به دست آمده از رابطه $0/5 * \left(\frac{1}{\text{تعداد موسسات حسابرسی موجود در صنعت}} \right)$ بیشتر باشد، موسسه حسابرسی مذکور به‌عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می‌شود و متغیر مربوط به تخصص حسابرسی در صنعت عدد یک و در غیراین صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (ابراهیمی کردلر و رحمتی، ۱۳۹۲).

از آنجاکه به‌کارگیری هر یک از شاخص‌های مزبور به‌تنهایی، ممکن است باعث بروز اخلاص در اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شرکت شود، از این رو در پژوهش حاضر برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت، از یک شاخص ترکیبی موزون برای هر شرکت استفاده می‌گردد. استفاده از این شاخص جامع، چولگی ناشی از به‌کارگیری منفرد هر یک از عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی را کاهش داده و معیار دقیق‌تری را برای آزمون فراهم می‌کند.

مدل نهائی اندازه‌گیری شاخص اجتناب مالیاتی

با توجه به توضیحات فوق مدل نهائی اندازه‌گیری شاخص اجتناب مالیاتی بشرح زیر می‌باشد:

مدل (۷)

$$ETR - Index_{it} = 0.022 P_1 + 0.013 P_2 + 0.020 P_3 + 0.012 P_4 + 0.011 P_5 + 0.008 P_6 + 0.012 P_7 + 0.033 P_8 + 0.024 P_9 + 0.018 P_{10}$$

که در این مدل P_i عامل استاندارد شده شاخص‌های محاسبه اجتناب مالیاتی می‌باشد.

جدول (۳). آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مشاهدات	انحراف معیار	بیشترین	کمترین	میانه	میانگین	متغیر
۱۲۰۸	۳/۱۱۲	۱۸/۰۰۰	۸/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۱۳/۱۲۸	مسئولیت اجتماعی شرکت
۱۲۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴۸	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۳۸	توانایی مدیریت
۱۲۰۸	۰/۸۷۶	۷/۸۴۱	۰/۰۰۱	۶/۶۵۸	۶/۵۸۷	نرخ بازده مورد انتظار سهامداران
۱۲۰۸	۰/۶۱۲	۶/۵۲۷	۰/۴۸۹	۱/۳۰۸	۱/۴۸۲	ارزش شرکت
۱۲۰۸	۰/۳۱۸	۰/۹۹۱	۰/۰۱۰	۰/۲۴۳	۰/۳۵۰	سهامداران نهادی
۱۲۰۸	۱/۴۵۶	۷/۰۰۰	۳/۰۰۰	۵/۰۰۰	۴/۴۹۳	اندازه هیئت مدیره
۱۲۰۸	۰/۰۰۷۶	۰/۰۳۷۶	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۲۳۹	۰/۰۲۴۷	هموارسازی درآمد مشمول مالیات

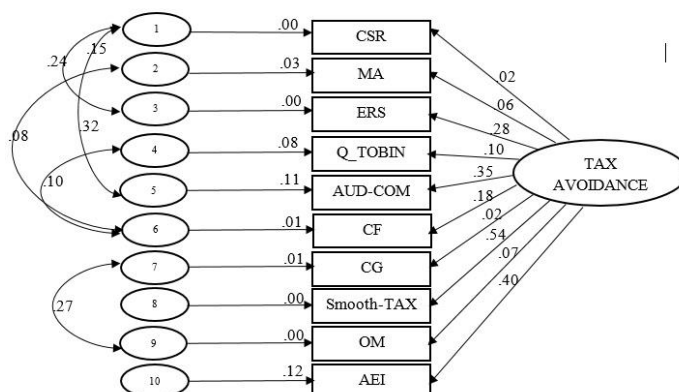
جدول ۴ - درصد فراوانی و نما (مد) برای متغیرهای دوجوهی

متغیر	درصد فراوانی ۱	درصد فراوانی ۰	مد
وجود کمیته حسابرسی	٪ ۶۹/۷	٪ ۳۰/۳	۱
تمرکز مشتری	٪ ۳۴/۲	٪ ۶۵/۸	۰
بیش اطمینانی مدیریت	٪ ۷۳/۱	٪ ۲۶/۹	۱
تخصص حسابرس در صنعت	٪ ۸۲/۵	٪ ۱۷/۵	۱

اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری

موردبررسی قرار می‌گیرد. شکل (۱) و جدول (۵) به ترتیب مدل اصلاح‌شده برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی و شاخص‌های برازش مربوط به آن را نشان می‌دهند.

پس از تعیین مدل مفهومی پژوهش و گردآوری داده‌ها، مهم‌ترین مرحله مدل‌سازی، اعتبارسنجی مدل اندازه‌گیری است. اعتبار یک مدل با استفاده از معیارهای نیکویی برازش



شکل (۱). مدل اندازه‌گیری اصلاح‌شده اجتناب مالیاتی

جدول (۵). معیارهای نیکویی برازش برای مدل اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی

معیارهای نیکویی برازش	نام شاخص	اختصار	مدل اصلاح‌شده	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۸۱	بزرگ‌تر از ۹۰ درصد
	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده	AGFI	۰/۹۶	بزرگ‌تر از ۹۰ درصد
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار نشده	NNFI	۱/۰۲۱	بزرگ‌تر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹	بزرگ‌تر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۰۵	بزرگ‌تر از ۹۰ درصد
	شاخص برازش افزایشی	IFI	۰/۹۰۷	بزرگ‌تر از ۹۰ درصد
شاخص‌های برازش مقتصد	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۵۲۹	بزرگ‌تر از ۵۰ درصد
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۵۲	کوچک‌تر از ۱۰ درصد
سایر شاخص‌های برازش	کای اسکور بهترنجار شده به درجه آزادی	CMIN/df	۴/۲۲۶	کوچک‌تر از ۵
	شاخص هلتر (۰,۰۵)	Hoelter	۴۱۹	بیشتر از ۲۰۰

نتایج مدل پیشنهادی

پس از بررسی اعتبار مدل در بخش قبلی، با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده برای هر یک از مؤلفه‌های تاثیرگذار بر اجتناب مالیاتی و وزن محاسبه‌شده هر یک از این مؤلفه‌ها به

معیارهای نیکویی برازش ارائه‌شده در جدول (۵) بیان می‌دارند که مدل اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از اعتبار کافی برخوردار است.

که در سال ۹۳ روند صعودی را در پیش گرفته و در سال های ۹۳ تا ۹۵ روند نزولی داشته است. البته این امر را می توان به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور در سال های ذکر شده ربط داد. در شکل زیر روند تغییرات میانگین اجتناب مالیاتی شرکت ها در طی ۸ سال نمایش داده شده است.

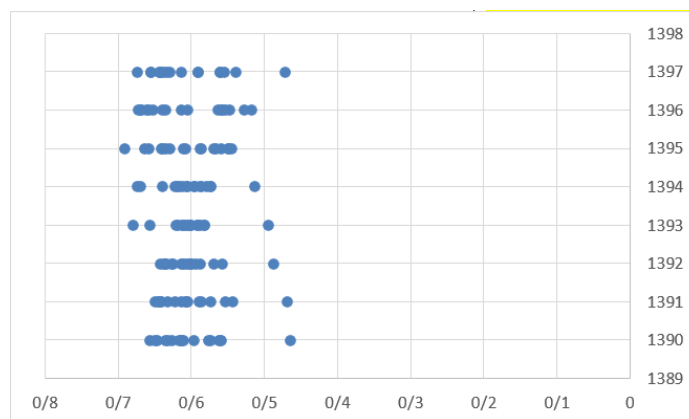
کمک تکنیک آنتروپی، جدول (۶) و (۷) بترتیب آمار توصیفی و نتایج اندازه گیری اجتناب مالیاتی برخی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را به عنوان نمونه با استفاده از مدل ارائه شده در این پژوهش نشان می دهند. با توجه به نتایج مشاهده می شود که در اکثر شرکت ها اجتناب مالیاتی در سال های ۹۲ و ۹۳ تغییر کرده، بدین صورت

جدول (۶). آماره های توصیفی شاخص اجتناب مالیاتی

متغیر	نماد	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	مشاهدات
شاخص اجتناب مالیاتی	ETR-Index	۰/۵۹۸	۰/۶۵۲	۰/۵۱۵	۰/۰۳۵	-۰/۳۸۴	۱۲۰۸

جدول (۷). اجتناب مالیاتی شرکت ها محاسبه شده توسط مدل پیشنهادی

شرکت	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	میانگین
البرز دارو	۰/۵۶۲	۰/۵۸۳	۰/۵۸۸	۰/۶۰۰	۰/۶۱۳	۰/۶۳۶	۰/۶۷۰	۰/۶۵۶	۰/۶۱۴
الکتریک خودرورشق	۰/۶۴۷	۰/۶۳۳	۰/۶۱۲	۰/۵۸۷	۰/۵۷۴	۰/۵۶۶	۰/۵۶۴	۰/۵۹۲	۰/۵۹۷
چادرملو	۰/۵۹۷	۰/۶۰۶	۰/۶۴۲	۰/۶۸۰	۰/۶۷۴	۰/۶۹۰	۰/۶۷۲	۰/۶۵۶	۰/۶۵۲
دارو لقمان	۰/۶۵۷	۰/۶۴۰	۰/۶۲۵	۰/۵۹۱	۰/۶۰۵	۰/۵۸۸	۰/۶۰۵	۰/۶۱۵	۰/۶۱۶
سیمان اصفهان	۰/۶۱۴	۰/۶۴۱	۰/۶۰۳	۰/۶۱۱	۰/۵۷۹	۰/۵۵۰	۰/۵۱۷	۰/۴۷۲	۰/۵۷۰
فولاد مبارکه اصفهان	۰/۴۶۵	۰/۴۶۹	۰/۴۸۸	۰/۴۹۴	۰/۵۱۳	۰/۵۴۴	۰/۵۵۴	۰/۵۹۰	۰/۵۱۵
مس باهنر	۰/۶۱۱	۰/۶۰۸	۰/۶۰۱	۰/۶۰۲	۰/۶۲۲	۰/۶۰۸	۰/۶۳۶	۰/۶۳۴	۰/۶۱۵
نفت پارس	۰/۶۲۷	۰/۶۴۹	۰/۶۳۷	۰/۶۲۰	۰/۵۹۶	۰/۵۸۶	۰/۵۶۰	۰/۵۶۱	۰/۶۰۴



شکل (۲). روند تغییرات اجتناب مالیاتی در طی سال های مختلف

از مالیات می گردد و این انتظار می رود که به عنوان مطالبات باقی مانده شرکت به نفع سهامداران عمل کند (ریگو و ویلسون، ۲۰۱۲). لذا اینکه آیا شرکت ها به نفع سهامداران اقدام می نمایند یا خیر به مدیریت شرکت بستگی دارد؛ بنابراین، اینکه آیا از فرصت های اجتناب مالیاتی به نفع سهامداران استفاده می شود، انتظار می

نتیجه گیری

امروزه موضوع اجتناب مالیاتی به عنوان موضوع مورد علاقه برای سیاستمداران و محققان تبدیل گشته است (هوسیناو و همکاران، ۲۰۱۷؛ کاویرمان و ولتی، ۲۰۱۹). مطابق با یافته های آستین و ویلسون (۲۰۱۷) اجتناب از مالیات باعث افزایش جریان نقدی و سود پس

فهرست منابع

- * ابراهیمی کردلر، علی و رحمتی، سلمان. (۱۳۹۲). بررسی رابطه اندازه، دوره تصدی و تخصص حسابرس در صنعت با نقدشوندگی سهام. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۵، شماره ۲۱، صص ۳۸-۵۱.
- * اعتمادی، حسین و شفاخیبری، نصیبه. (۱۳۹۰). تأثیر جریان های نقد آزاد بر مدیریت سود و نقش کمیته حسابرسی در آن. حسابداری مالی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۴۲-۱۸.
- * ایمانی برندق، محمد؛ پیری، پرویز و قربانی، توفیق. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر کیفیت مالیات در ایران با استفاده از رویکرد سلسله مراتبی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۴۷-۶۴.
- * باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۲، شماره ۳، صص ۶۵-۸۶.
- * تحریری، آرش و خوئینی، مهین. (۱۳۹۶). کیفیت اطلاعات داخلی، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، دانش حسابداری مالی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- * جامعی، رضا و رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۹۲، صص ۱۱-۱.
- * جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بهنمون، یعقوب؛ بهزادی، نهاد و شکوری، سمیرا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تاکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای شرکتی. راهبرد مدیریت مالی، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۴۸-۲۵.
- * جلیلیان، جمال؛ علیزاده، محمود؛ حیدری، درخشان و طاهرخانی، نسیم. (۱۳۹۸). اثر تعدیل گر مدیریت سود بر رابطه ویژگی های شرکت و اجتناب مالیاتی. پژوهشنامه مالیات، سال ۲۷، شماره ۴۲، صص ۱۴۵-۱۶۸.
- * حاجیان نژاد، امین و دانش سرارودی، سید رسول. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری. دانش حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۳۶.
- * حساس یگانه، یحیی و رضایی، شهروز. (۱۳۹۷). مدلی برای تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. پژوهش مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۲۷-۵۸.

رود که تابعی از رفتارهای مدیریت شرکت باشد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۵). بدون شک، بخش بزرگی از پیشرفت‌های ادبیات در هر حوزه، از بهبود تکنیک‌های اندازه‌گیری نشات می‌گیرد؛ در ادبیات مالی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شرکت معیارهای مختلفی مطرح شده است، از آنجاکه سطح اجتناب مالیاتی به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیست از این‌رو پژوهشگران از برخی عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی استفاده نموده‌اند. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر ارائه مدل محاسبه شاخص جامع اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بود که برای اولین بار مطرح شد.

در این پژوهش از شاخص ترکیبی موزون برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها استفاده شده است و پس از تعیین عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی و تعیین وزن آن‌ها توسط خبرگان، مدل پیشنهادی پژوهش ارائه شد. در مدل پیشنهادی اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با توجه به مدل تصمیم‌گیری چند معیاره شاخصی جدید برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ارائه شد و با به‌کارگیری آن در هر لحظه با در نظر گرفتن همه عامل‌های تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکت به‌راحتی شاخص اجتناب مالیاتی شرکتی خاص محاسبه شد و امکان دانستن این نکته که شرکت دارای اجتناب مالیاتی زیاد و یا کم است؟ فراهم شد. همچنین با محاسبه شاخص اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در طی سال‌های مختلف به این نکته پی برده شد که چه شرکت‌ها و در چه سال‌هایی از نظر اجتناب مالیاتی بیشتر و چه شرکت‌ها و در چه سال‌هایی اجتناب مالیاتی ضعیف‌تری داشته‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان بورس اوراق بهادار تهران، شرکت‌های تأمین سرمایه، شرکت‌های کارگزاری، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سهامداران، دارندگان اوراق قراردادهای آتی، تحلیلگران و سایر فعالان اصلی بازار سرمایه ایران در اتخاذ تصمیمات بهینه در ارتباط با فعالیت تخصصی خود کمک کند. همچنین معرفی شاخص جدید می‌تواند به بسط تئوریک ادبیات مربوط به اجتناب مالیاتی واحدهای تجاری منجر شود؛ و معرفی حوزه جدید مطالعاتی برای پژوهشگران حسابداری، خصوصاً افرادی که در حوزه مطالعات بازار سرمایه فعالیت دارند، می‌تواند از سایر نتایج پژوهش حاضر باشد.

- * حیدری، مهدی؛ دیدار، حمزه و قادری، بهمن. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر معیارهای ارزیابی عملکرد: رویکرد الگوسازی معادلات سختاری. حسابداری مالی، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۱۰۱-۷۷.
- * خدای پور، احمد و روستایی، شکوفه. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۴۶-۳۵.
- * خواجوی، شکرالله؛ ولی پور، هاشم و کاویانی فرد، هاشم. (۱۳۹۷). بررسی نقش و انگیزه هیئت‌مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت. دانش حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۵۹-۸۴.
- * شببانی تدرجی، عباس و خدای پور، احمد. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی-شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۰۳-۱۲۹.
- * صفری گرایلی، مهدی و پودینه، شیوا. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، سال ۲۴، شماره ۳۱، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- * صفری گرایلی، مهدی و رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). توانایی مدیریت و خوانایی گزارشگری مالی: آزمون نظریه علامت دهی. دانش حسابداری، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۱۸-۱۹۱.
- * عباسی، ابراهیم و بشیری جویباری، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی ارزیابی سرمایه‌گذاران از سطح عدم اطمینان در وضعیت مالیاتی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال ۴، شماره ۶، صص ۲۶-۷.
- * غلامی کیان، علیرضا و فقیه، محسن. (۱۳۹۶). تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت پیش‌بینی سود. پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، دوره ۳۳، صص ۲۴۴-۲۲۷.
- * فخاری، حسین و طهماسبی خورنه، سعید. (۱۳۹۵). بررسی رابطه متقابل اجتناب مالیاتی و کیفیت افشای اطلاعات با استفاده از سیستم معادلات همزمان. پژوهشنامه مالیات، سال ۲۴، شماره ۳۲، صص ۱۲۵-۱۴۴.
- * قرینجیک، آرزو و گرکز، منصور. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، سال ۱۸، شماره ۷۰، صص ۱۷۵-۱۹۳.
- * کردستانی، غلامرضا و عباسی، عبدالاحد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر تمرکز مشتری بر عملکرد مالی شرکت. مدیریت دارایی و تامین مالی، سال ۲، شماره ۳، صص ۹۲-۸۱.
- * کردستانی، غلامرضا و مجدی، ضیاءالدین. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی سود و نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران سهام عادی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۴۸، صص ۸۵-۱۰۴.
- * کمالی منفرد، شیما و احمدی، سعید علی. (۱۳۹۶). تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها. دانش حسابداری، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۴.
- * مران جوری، مهدی و علی خانی، رضیه. (۱۳۹۳). افشای مسئولیت اجتماعی و راهبری شرکتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۳۴۸-۳۲۹.
- * مردانی، مهدی؛ صفری گرایلی، مهدی و ولیان، حسن. (۱۳۹۷). تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، سال ۱۸، شماره ۷۳، صص ۱۲۳-۱۳۷.
- * مهرانی، ساسان و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه‌کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۱۳-۳۴.
- * مهربان پور، محمدرضا؛ آهنگری، مهناز؛ وقفی، سید حسام و مام صالحی، پرویز. (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر اجتناب از مالیات و تأثیر آن بر معیارهای ارزیابی عملکرد با استفاده از معادلات ساختاری، دانش حسابداری مالی، دوره ۴ شماره ۳، صص ۶۵-۸۶.
- * Aliani, K., Zarai, M. A. (2012). The board of directors and the corporate tax planning: Empirical Evidence from Tunisia, *International Journal of Accounting and Financial Reporting*: 2(2):142-157.
- * Armstrong, C., Blouin, J., Jagolinzer, A., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60, 1-17. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jacceco.2015.02.003>.
- * Austin, C. R., & Wilson, R. J. (2017). An examination of reputational costs and tax avoidance: Evidence from firms with valuable consumer brands. *The Journal of the American Taxation Association*, 39(1), 67-93. <http://dx.doi.org/10.2308/atax-51634>.
- * Baker, C.R., and Owsen, D.M. (2002). "Increasing the role of auditing in corporate governance". *Critical Perspectives on Accounting*, 13 (5-6), 783-795

- * Hanlon, M. (2005). The persistence and pricing of earnings, accruals, and cash flows when firms have book-tax differences. *Account. Rev.* 80 (1): 137-166.
- * Hanlon, M. and Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 Nos 2/3, pp. 127-178
- * Hanway, K. & Vance, S. (2010). Accounting Method Changes and Elections to Increase Taxable Income, in what's New in Tax, edited by L. KPMG.
- * Heaton, J. (2002). Managerial optimism and corporate finance. *Financial Management*, 31 (2): 33-45.
- * Huang, H. H., Lobo, J., Wang, C. and Xie, H. (2016). Customer Concentration and Corporate Tax Avoidance. *Journal of Banking and Finance*, 72, 184-200
- * Huseynov, F., Sardali, S., & Zhang, W. (2017). Does index addition affect corporate tax avoidance? *Journal of Corporate Finance*, 43 <http://dx.doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2017.01.008>, 541-259
- * Itzkowitz, J., (2013). Customers and cash: How relationships affect suppliers' cash holdings. *Journal of Corporate Finance*, 19, 159-180
- * Kend M. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding, *Pacific Accounting Review*, 20:49-62
- * Kim B. , Jung K & Kim, I. (2005). Internal funds allocation and the ownership structure: evidence from Korean business groups, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 25: 33-53
- * Kim, J. H., & Im, C. C. (2017). The Study on the Effect and Determinants of Small-and Medium-sized Entities Conducting Tax Avoidance. *Journal of Applied Business Research*, 33(2), 375-390. Dank, Z. (2012). Corporate tax harmonization in the European Union. *crisis_aftermath*, (pp. 207 218).
- * Kovermann, Jost & Velte, Patrick. (2019). The impact of corporate governance on corporate tax avoidance- A literature review. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, <https://doi.org/10.1016/j.intaccudtax.2019.100270>
- * Lambert, R., C. Leuz, and R. Verrecchia. (2007). "Accounting Information, Disclosure, and the Cost of Capital." *Journal of Accounting Research* 45(2): 385-420.
- * Lane, N., and Piercy, N. (2006). The Underlying Vulnerabilities in Key Account Management Strategies. *European Management Journal*, 24, 151-162.
- * Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60 (6): 661-700.
- * Minnick, K., Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? *Journal of corporate finance*: 16 (5): 703-718.
- * Nankole Mukaya, Eudia. (2018). How companies respond to Media Criticism for Tax Avoidance Strategies. Dalarna University, Degree Project, Master's degree.
- * Ben-David, I., Graham, J. R. & Harvey, C. R. (2010). Managerial miscalibration, working paper, Duke University: 1547-1584.
- * Bertrand, M., Schoar, A., (2003). Managing with Style: The Effects of Managers on Firm Policies. *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 118 (4), 1169-1208.
- * Bonner, S., J. Davis, and B. Jackson. (1992). Expertise in corporate tax planning: The issue at the identification stage, *Journal of Accounting Research*, 30: 1-28
- * Cai, H. and Liu, Q. (2009). Competition and corporate tax avoidance: evidence from Chinese industrial firms, *The Economic Journal*. Vol 119, PP 1-32.
- * Cen, L., Maydew, E., Zhang, L., Zuo, L., (2017). Customer-supplier relationships and corporate tax avoidance. *Journal of Financial Economics*, 123(2), 377-394
- * Demerjian, P.R., Lev, B., McVay, S.E. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- * Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91(3), 537-546. <https://doi.org/10.1162/rest.91.3.537>.
- * Dhaliwal, D., Judd, J. S., Serfling, M. A., Shaikh, S.A., (2016). Customer Concentration Risk and the Cost of Equity Capital. *Journal of Accounting and Economics*, 61 (1), 23-48.
- * Douppnik, T., & Perera, H. (2009). International accounting.
- * Duan, Tinghua; Ding, Rong; Hou, Wenxuan; Zhang, Ziyang. (2018). the burden of attention: CEO publicity and tax avoidance. *Journal of Business Research*: 87: 90- 101.
- * Dyreng, S., Hanlon M. & Maydew E. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance, *The Accounting Review*: 85 (4): 1163-1189.
- * Ferguson, A., J. Francis, and D. Stokes. (2003). The effects of firm-wide and office-level industry expertise on audit pricing, *The Accounting Review*, 78 (2): 429-448.
- * Francis, B.B., Sun, X., Wu, Q. (2013). Managerial ability and tax avoidance. Working Paper, Rensselaer Polytechnic Institute.
- * Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. (2004). "Costs of equity and earnings attributes" *The Accounting Review*: 79, 967-1010.
- * Francis, J.R. (2004). "What do we know about audit quality?". *The British Accounting Review*, 36 (4), 345-368
- * Gosman, M. and Kohlbeck, M., (2009). Effects of existence of identity of major customers on supplier profitability: Is Wal-Mart different? *Journal of Management Accounting Research*, 21, 179-201
- * Guenther, D. A. (1994). Earnings Management in Response to Corporate Tax Rate Changes: Evidence from the 1986 Tax Reform Act, *Accounting Review*, 69 (1), 230-243

- * OECD. (2015). BEPS 2015 Final Reports. Retrieved from OECD Web site: <http://www.oecd.org/ctp/beps-2015-final-reports.htm>.
- * Park, J., KO, C.Y., Jung, H., Lee, Y.S. (2016). Managerial ability and tax avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 23(4), 1-29
- * Parsons, T. (1960). Structure and process in modern societies. Free Pr
- * Rego, S., & Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, 775-810. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1475-679X.2012.00438.x>.
- * Rego, S.O. (2003). Tax-avoidance activities of U.S. multinational corporations. *Contemp. Account. Res.* 20 (4): 805-833.
- * Richardson, G., Taylor, G., and Lanis, R. (2013). "The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: an empirical analysis". *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (3), 68-88
- * Rose, N. L., Shepard, A. (1997). Firm Diversification and CEO Compensation: Managerial Ability or Executive Entrenchment. *The RAND Journal of Economics*, Vol. 28 (3), 489-514.
- * Satori, Nicolas. (2008). effects of strategic tax behaviors on corporate governance. University of Michigan
- * Scherand, C.M., and Zechman, S.L. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 7 (11): 4-11.
- * Scholes, M. S., Wolfson, M. A., Erickson, M., Maydew, E. L. & Shevlin, T. (2001). *Taxes and Business Strategy*, 2nd ed. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- * Shavinina, L. V., Medvid, M. (2009). Understanding Managerial Talent. In *International Handbook on Giftedness*, Springer, Netherlands, pp. 839-851
- * Stickney, C., McGee, V. (1982). Effective corporate tax rates: the effect of size, capital intensity, leverage, and other factors. *J. Account. Public Policy*: 1 (2): 125- 152.
- * Taylor, G., Richardson, G. (2014). Incentives for corporate tax planning and reporting: Empirical evidence from Australia, *Journal of Contemporary Accounting and Economics*: 10 (1): 1-15.
- * Van Der Pilos, Nina. (2017). Tax Avoidance and Corporate Governance. Does the board of directors influence tax avoidance? Unpublished master's Thesis. Erasmus School of Economics.
- * Wang, J., (2012). Do firms' relationships with principal customers/suppliers affect shareholders' income? *Journal of Corporate Finance*, 18, 860-878.
- * Wang, S. (1991). The relation between firm size and effective tax rates: a test of firms' political success. *The Accounting Review*: 66 (1): 58-169.
- * Zimmerman, J. (1983). Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting and Economics*: 5 (1): 119-149.